



Representation of elementary teachers' lived experiences of holistic education and the solutions to realize it: a study by phenomenological method

Fatemeh Mardan Arbat^{*1}, Maryam Marandi Heydarloo[†]

¹- Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

[†]- Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

Article info	Abstract
<p>Article type: Research Article</p> <p>Received: 2024/11/01</p> <p>Accepted: 2024/11/19</p> <p>pp: 71-97</p>	<p>Background and Objectives: All-round education is a new and comprehensive approach in the document of the fundamental transformation of Iran's education, whose goal is the comprehensive development of students' personality in different dimensions of life. The purpose of this study is to investigate the teachers' point of view about their role and position in the successful implementation of this educational approach.</p> <p>Methods: The method of conducting this research is qualitative and phenomenological. The statistical population of the research was the teachers of primary school students in Tabriz city in 1402-1403. The samples were selected in a purposeful way and its volume continued until data saturation (14 people) according to the nature of qualitative research. Data were collected through in-depth interviews and analyzed using the method proposed by Smith (1995).</p> <p>Findings: 8 main themes were extracted from the findings, which are: teaching methods and strategies for promoting and cultivating religious behavior and moral virtues of students, teaching methods and strategies for economic and professional education of students, teaching methods and strategies for scientific and technological education of students, teaching methods and solutions for social and political education of students, teaching methods and solutions for biological and physical education of students, teaching methods and solutions for aesthetic and artistic education of students, challenges of teachers in implementing comprehensive education and suggestions for improving education and education in line with all-round education.</p> <p>Conclusion: Conclusion: The results of this study emphasize that it is necessary to pay attention to the different aspects of the growth and education of students at all levels of education, and teachers play a key role in realizing the comprehensive education approach and the discourse of transformation, and they need empowerment and skill training courses and the support of education officials. and education to play this role.</p> <p>Keywords :All-round education, teacher's role, six fields</p>



بازنمایی تجارب زیسته معلمان ابتدایی از تربیت تمام ساحتی و راهکارهای تحقق آن : مطالعه ای به روش پدیدار شناختی

فاطمه مردان اربط^{۱*}، مریم مرندی حیدرلو^۲

۱- استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

۲- استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>زمینه و اهداف: تربیت تمام ساحتی، رویکردی نوین و جامع در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران است که هدف آن توسعه همه جانبه شخصیت دانش آموزان در ابعاد مختلف زندگی است. هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه معلمان درباره نقش و جایگاه خود در اجرای موفقیت آمیز این رویکرد تربیتی می باشد.</p> <p>روش ها: روش انجام این پژوهش از نوع کیفی و به شیوه پدیدارشناسی است. جامعه آماری پژوهش، معلمان دانش آموزان دوره ابتدایی در شهر تبریز و در سال ۳۰۴۱-۲۰۴۱ بوده است. نمونه ها به صورت هدفمند انتخاب گردیدند و حجم آن با توجه به ماهیت پژوهش کیفی تا اشباع داده ها (۴۱) نفر ادامه یافت. داده ها از طریق مصاحبه عمیق و ژرف نگر گردآوری گردید و با استفاده از روش پیشنهادی اسمیت (۵۹۹۱) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.</p> <p>یافته ها: ۸ مضمون اصلی از یافته ها استخراج گردید که عبارتند از: روش های تدریس و راهکارهای ترویج و پرورش رفتارهای عبادی و فضایل اخلاقی دانش آموزان، روش های تدریس و راهکارهای تربیت اقتصادی و حرفه ای دانش آموزان، روش های تدریس و راهکارهای تربیت علمی و فناوری دانش آموزان، روش های تدریس و راهکارهای تربیت اجتماعی و سیاسی دانش آموزان، روش های تدریس و راهکارهای تربیت زیستی و بدنی دانش آموزان و روش های تدریس و راهکارهای تربیت زیبایی شناختی و هنری دانش آموزان، چالش های معلمان در پیاده سازی تربیت تمام ساحتی و پیشنهادهایی برای بهبود آموزش و پرورش در راستای تربیت تمام ساحتی.</p> <p>نتیجه گیری: نتایج این بررسی تاکید می کند که توجه به ابعاد مختلف رشد و تربیت دانش آموزان در تمام سطوح آموزش و پرورش ضروری است و معلمان نقش کلیدی در تحقق رویکرد تربیت تمام ساحتی و گفتمان تحول دارند و نیازمند دوره های توانمند سازی و مهارت آموزی و حمایت مسئولان آموزش و پرورش برای ایفای این نقش می باشند.</p> <p>واژگان کلیدی: تربیت تمام ساحتی، نقش معلم، ساحت های شش گانه.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱</p> <p>پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹</p> <p>صص: ۷۱-۹۷</p>

تعلیم و تربیت، به عنوان یکی از پایه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی هر جامعه، نقش بسیار مهمی در پرورش انسان‌ها و شکل دهی ساختارهای اجتماعی دارد (راهیو و همکاران ۲۰۱۸). در کشور ما آموزش و پرورش به عنوان اصلی ترین نهاد آموزشی و تربیتی پایه گذار شخصیت نسل آینده است. این نهاد، به‌ویژه در دوران معاصر و با توجه به تغییرات گسترده در سطح جهانی، بیش از پیش به‌عنوان ابزار اصلی توسعه اجتماعی مطرح می‌شود. با آغاز قرن حاضر، و بعد از دوران همه‌گیری کرونا، انفجار دانش و بوجود آمدن دهکده جهانی با توجه به فضای مجازی، لزوم تربیت اصیل و دستیابی به آموزش پویا، موفق و اثربخش، نیاز به تحول بنیادین در این نهاد گسترده و سرنوشت ساز را روشن کرد (فگرت و همکاران، ۲۰۲۰). این تحول باید بتواند پاسخگوی نیازهای جدید دانش‌آموزان و جامعه باشد.

بدین منظور، سند ملی تحول بنیادین به عنوان نقشه راه آموزش و پرورش توسط صاحب‌نظران و متخصصان عرصه تعلیم و تربیت در سال ۱۳۹۰ تدوین و تصویب شد. در این سند، تربیت فرآیندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی برای دستیابی به مراتب حیات طیبه به عنوان هدف متعالی نظام آموزشی، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت افراد به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد تربیت شده است (مبانی نظری ص ۱۳۹). بنابراین، نقش آموزش و پرورش در تربیت دانش‌آموزان فراتر از آن چیزی است که در برنامه‌های درسی مصوب طرح‌ریزی شده است. این سند بر اهمیت ایجاد تحولاتی جامع و عمیق در نظام آموزشی تأکید دارد.

برای رسیدن به این اهداف در آموزش و پرورش، رویکرد نوینی در سند تحول بنیادین پیشنهاد شده است که «تعلیم و تربیت تمام ساحتی» نام دارد. در نگرش اسلامی، حیات طیبه مفهومی یکپارچه و کلی اما دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است که هر دو اصالت دارند. این مفهوم، با عنایت به جنبه‌های مختلف زندگی یک انسان و استقلال نسبی آن‌ها از یکدیگر، دربردارنده شئون متعددی است که در ارتباط و تعامل با هم این مفهوم پویا و متکامل را محقق می‌سازند. به طور کلی، می‌توان شئون کلی حیات طیبه را این‌گونه برشمرد: شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ شأن زیستی و بدنی؛ شأن علمی و فناورانه؛ شأن اجتماعی و سیاسی؛ شأن اقتصادی و حرفه‌ای؛ و شأن هنری و زیبا شناختی (مددی، ۱۳۹۷). این ابعاد، محورهای اصلی رویکرد تمام ساحتی را تشکیل می‌دهند.

در گفتمان تحول که در سند تحول بنیادین بدان پرداخته شده است، از معلم به عنوان یک عنصر کلیدی در انتقال دانش و مهارت تمام ساحتی به دانش‌آموزان نام برده شده و معلمان را به عنوان مجریان اصلی و نقش‌آفرینان مهم سند تحول و در واقع کارگزار حقیقی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور محسوب می‌کند. این نقش، نه تنها شامل انتقال دانش و مهارت‌های درسی، بلکه هدایت دانش‌آموزان به سوی زندگی معنا دار، اخلاقی و مؤثر است. بنابراین، تربیت تمام ساحتی بدون مشارکت فعال و آگاهانه معلمان قابل تحقق نیست.

این مقاله با هدف بررسی جایگاه و نقش معلم در فرایند تربیت تمام ساحتی، به بررسی عمق و اهمیت این موضوع می‌پردازد. از معلمان به عنوان مجریان اصلی فرایند تربیت تمام ساحتی، انتظار می‌رود که با داشتن دانش، توانمندی و اراده‌ی لازم، بتوانند به بهترین شکل ممکن در این فرایند تاثیرگذار باشند. امید است که

این مقاله، به دانشجومعلم، معلمان و علاقمندان به حوزه تعلیم و تربیت کمک کند تا در تحقق اهداف تربیت تمام ساحتی، گام‌های مثبتی بردارند و به بهبود فرآیندهای آموزشی و تربیتی کمک کنند.

مفهوم تربیت تمام ساحتی بر پایه نگاه یکپارچه به انسان به‌عنوان موجودی چندبعدی شکل گرفته است. در نظام آموزشی ایران، این رویکرد با تأکید بر حیات طیبه در سند تحول بنیادین، بر تعامل و تعادل بین ابعاد مختلف فرد تأکید دارد. از دیدگاه این سند، تربیت باید شامل رشد ابعاد زیر باشد: اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ زیستی و بدنی؛ علمی و فناوری؛ اجتماعی و سیاسی؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ و هنری و زیبانشناختی. این ابعاد، نه تنها به تقویت شخصیت فرد کمک می‌کنند، بلکه او را برای مواجهه با چالش‌های زندگی اجتماعی و فردی آماده می‌سازند.

این نگرش فلسفی به‌طور مستقیم از دیدگاه اسلامی نسبت به کرامت انسانی و کمال‌یابی متربی نشأت گرفته است. ظهور این مفهوم در نظام آموزشی ایران، نتیجه تحولات اجتماعی و ضرورت پاسخگویی به چالش‌هایی همچون: جهانی‌شدن و تحولات فناوری، کاهش انسجام تربیتی در دوران کرونا، ضرورت پرورش شهروندان مسئول و آگاه، و تحول به سوی آموزش‌های مبتنی بر شایستگی‌های کلیدی بوده است.

ظهور تربیت تمام ساحتی در ایران با عوامل مختلفی مرتبط است. تصویب سند تحول بنیادین در سال ۱۳۹۰، به‌عنوان چارچوبی راهبردی، بر اهمیت آموزش و پرورش فراگیر تأکید داشت و مبنایی برای اجرای این رویکرد جامع فراهم کرد. تغییرات اجتماعی نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده است، زیرا نیاز به پرورش انسان‌هایی که علاوه بر مهارت‌های شناختی، توانایی‌های اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی برای زندگی در دنیای متحول را داشته باشند، احساس می‌شود. علاوه بر این، تحقیقات بین‌المللی نیز با معرفی مفاهیمی مانند «مدارس جامع» و «آموزش برای قرن ۲۱» توسط یونسکو، اهمیت این نگرش را برجسته ساخت و بر ضرورت بهره‌گیری از آن در نظام آموزشی ایران تأکید کرد.

پیشینه پژوهشی تربیت تمام ساحتی نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی به بررسی موانع و راهکارهای اجرای این رویکرد پرداخته‌اند. برای مثال، دارایی (۱۳۹۹) به تحلیل چالش‌هایی مانند محدودیت‌های برنامه درسی، کمبود آموزش معلمان و نگرش‌های سنتی پرداخته است. همچنین صحبت‌لو و نادری (۱۴۰۰) تأثیر روش‌های تدریس مبتنی بر تربیت تمام ساحتی را بر بهبود بهره‌وری آموزشی بررسی کرده و نشان داده‌اند که این رویکرد می‌تواند به پرورش همه‌جانبه دانش‌آموزان کمک کند. بررسی دیدگاه‌های معلمان نیز در پژوهش میرعرب رضی و همکاران (۱۴۰۲) حاکی از اهمیت آموزش مداوم و توسعه حرفه‌ای برای اجرای موفق این رویکرد بوده است. علاوه بر این، یوسف‌زاده چوسری و شاه‌مرادی (۱۳۹۹) تأکید کرده‌اند که مفاهیمی همچون مطرح‌شده در یونسکو، بر ضرورت تربیت تمام ساحتی تأکید دارند و آن را گامی کلیدی در جهت هم‌راستایی با تغییرات جهانی می‌دانند. این مطالعات به درک عمیق‌تر مبانی فلسفی تربیت تمام ساحتی و ضرورت اجرای آن در نظام آموزشی ایران کمک کرده و پشتوانه نظری مناسبی برای تقویت پژوهش‌های مرتبط فراهم می‌کنند.

مفهوم تربیت و آموزش و پرورش یکی از اساسی‌ترین محورهای آموزش در قرن بیست و یکم، بر تغییر رویکرد مدارس به سمت شادی، تعامل و پرورش شایستگی‌های کلیدی تأکید دارد. به گفته یونسکو (۲۰۱۶)، مدارس امروزی چاره‌ای جز تمرکز بر شایستگی‌های عمومی دانش‌آموزان ندارند. احراری (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود، پی‌ریزی نظام ارزشیابی کیفی-توصیفی را راهی برای تقویت شایستگی‌های عمومی دانش‌آموزان

می‌داند. علاوه بر این، تعریف تربیت توسط افرادی همچون کرشن اشتاینر، کانت و شهید مطهری، بر پرورش استعداد‌های درونی و هماهنگی میان آن‌ها تأکید داشته و هدف نهایی را رساندن فرد به حد اعلای کمال می‌دانند (رفیعی، ۱۳۹۰؛ مطهری، ۴۳).

تعریف و اهمیت ساحت در تربیت، به‌عنوان مفهومی چندبعدی، بر ابعاد روحی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و زیستی تأکید دارد. نوروزی‌نژاد و طباطبایی (۱۳۹۹) بیان می‌کنند که تربیت تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه هدف آن تقویت شخصیت و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی فرد است. این دیدگاه با مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) همخوانی دارد که ساحت‌های مختلف تربیتی را به‌عنوان ابزاری برای تربیت جامع معرفی کرده است.

ابعاد و اهمیت ساحت‌های تربیتی نیز بر گستردگی تأثیر این ابعاد بر رشد فرد تأکید دارد. سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که این ابعاد شامل روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، زیستی و هنری است که هر کدام به‌صورت مستقل، به توسعه متوازن و هماهنگ شخصیت فرد کمک می‌کنند. این تأکید بر شناسایی صحیح ابعاد تربیتی و تأثیر آن‌ها بر رشد فرد، در پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی بازتاب یافته است.

مفهوم تربیت تمام ساحتی در سند تحول بنیادین به‌عنوان یکی از اصول کلیدی مطرح شده است. موسوی ندوشن و همکاران (۱۴۰۰) تأکید دارند که هرگونه آموزش باید در چارچوب ساحت‌های شش‌گانه تربیتی شامل تربیت دینی، اجتماعی، بدنی، علمی، هنری و اقتصادی طراحی شود. مطالعات دیگری همچون پژوهش وفائی، فضل‌الهی و طالعی‌فر (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که این نوع تربیت در آموزش ابتدایی، پایه‌گذار شایستگی‌های آینده دانش‌آموزان است و تأثیرات عمیقی بر رشد چندبعدی آنان دارد.

اهمیت نقش معلم در فرایند تربیت تمام ساحتی، از دیگر موضوعات مطرح‌شده در پژوهش‌هاست. میرعرب رضی و همکاران (۱۴۰۲) نقش معلم را در پرورش دانش‌آموزان به‌عنوان مربی و راهنما بسیار کلیدی می‌دانند. بازدار و همکاران (۱۳۹۴) نیز تأکید می‌کنند که معلمان علاوه بر انتقال دانش، باید محیطی برای یادگیری فعال و تربیت اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان فراهم کنند. این موضوع در تحقیقات هانستیدت (۲۰۱۸) نیز بازتاب یافته که بر اهمیت مهارت‌های ارتباطی و ایجاد انگیزه در معلمان برای ایفای این نقش تأکید دارد.

روش پژوهش

این مطالعه به روش پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. هدف این روش درک ساختار اصلی پدیده‌های تجربه‌شده انسانی از طریق تجزیه و تحلیل توضیحات شفاهی شرکت‌کنندگان است. روش پدیدارشناسی به‌عنوان یک رویکرد پژوهشی کیفی و همچنین یک رویکرد فلسفی، به دنبال روشن ساختن ساختار و جوهره پدیده‌های تجربه‌شده و توصیف دقیق آن از طریق تحلیل تجارب افراد است. این روش تحقیق به‌ویژه زمانی مناسب است که نیاز به روشن‌سازی عمیق‌تر یک پدیده احساس می‌شود، به‌ویژه در مواردی که تحقیقات پیشین درباره آن پدیده اندک است یا نیاز به توضیح بیشتر دارد (صلصالی و همکاران، ۱۳۸۲). در این تحقیق، دیدگاه معلمان درباره نقش و جایگاه خود در تربیت تمام ساحتی مورد بررسی قرار گرفته است.

توجیه انتخاب روش پدیدارشناسی

روش پدیدارشناسی برای این تحقیق انتخاب شده است زیرا هدف آن کاوش و توصیف عمیق تجارب زیسته معلمان مدارس ابتدایی درباره تربیت تمام ساحتی است. این روش به طور خاص مناسب پژوهش‌هایی است که به دنبال درک عمیق از جوهره یک پدیده هستند و در اینجا نیاز است تا از طریق بررسی تجارب شخصی معلمان، مفاهیم جدیدی استخراج شود. روش پدیدارشناسی امکان تعلیق پیش‌فرض‌های پژوهشگر و تمرکز بر دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان را فراهم می‌آورد و این ویژگی با موضوع و سوال پژوهش حاضر همخوانی دارد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و فرآیند انتخاب شرکت‌کنندگان تا زمانی که اشباع داده‌ها حاصل شد ادامه یافت. در نهایت، تعداد ۱۴ معلم در پژوهش شرکت کردند. معیار انتخاب شرکت‌کنندگان، تجربه مستقیم و ملموس از تربیت تمام ساحتی و تمایل به مشارکت فعال در پژوهش بود.

فرآیند مصاحبه و طراحی سوالات

برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. سوالات مصاحبه با تمرکز بر تجارب زیسته معلمان و دیدگاه‌های آن‌ها درباره نقش و جایگاه خود در تربیت تمام ساحتی طراحی شد. سوالات به گونه‌ای تدوین شدند که ضمن تسهیل بازگویی تجارب، امکان جمع‌آوری داده‌های غنی و عمیق را فراهم کنند. برخی از سوالات نمونه عبارت بودند از: «تجربه شما از تربیت تمام ساحتی چیست؟»، «چه نقشی در تحقق این تربیت در کلاس خود دارید؟»، و «چه عواملی مانع یا تسهیل‌کننده این فرآیند هستند؟». مدت زمان هر مصاحبه به طور متوسط ۴۰ دقیقه بود. کلیه مصاحبه‌ها ضبط و سپس بر روی کاغذ پیاده شدند.

فرآیند تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش پیشنهادی اسمیت (اسمیت، ۱۹۹۵ به نقل از ادیب و همکاران، ۱۳۸۹) استفاده شد. این روش شامل سه مرحله اصلی بود:

۱. تولید داده‌ها: متن مصاحبه‌ها به دقت پیاده و بازخوانی شد.

۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها: این مرحله شامل چهار گام بود:

- مواجهه اولیه: خواندن و بازخوانی یک مورد.
- تشخیص و برچسب‌گذاری به مقوله‌ها: برای هر متن مصاحبه، مفاهیم و مقوله‌های اولیه شناسایی شدند.
- فهرست‌کردن و خوشه‌بندی مقوله‌ها: مقوله‌های مشابه به گروه‌های بزرگ‌تر و کلی‌تر دسته‌بندی شدند.
- ایجاد یک جدول خلاصه‌سازی: برای هر مصاحبه، جدولی شامل سه ستون «خوشه‌ها و مقوله‌ها»، «نقل قول کوتاه» و «شماره صفحه و سطر» تهیه شد.

۳. تلفیق موردها: مقوله‌های کلی از تمامی مصاحبه‌ها جمع‌آوری و تلفیق شدند تا فهرست جامعی از

مضامین استخراج شود.

برای تضمین شفافیت بیشتر، نمونه‌ای از نحوه تحلیل داده‌ها ارائه می‌شود. به عنوان مثال، از یکی از مصاحبه‌ها مقوله‌هایی مانند «تعامل با دانش‌آموزان» و «ایجاد محیط یادگیری اثربخش» استخراج شد که با مرور مقوله‌های مشابه از سایر مصاحبه‌ها، خوشه «ارتقاء کیفیت ارتباطات آموزشی» شکل گرفت.

تضمین کیفیت و اعتمادپذیری

برای افزایش اعتمادپذیری داده‌ها، پژوهشگر اقداماتی را انجام داد از جمله:

- برقراری ارتباط مناسب با شرکت‌کنندگان برای جلب اعتماد و اطمینان.
- تحلیل داده‌ها بلافاصله پس از هر مصاحبه.
- بازگرداندن نتایج تحلیل به شرکت‌کنندگان برای تأیید صحت و اعمال اصلاحات موردنیاز.
- مرور مقوله‌های استخراج‌شده با برخی از شرکت‌کنندگان.
- مقایسه مستمر داده‌ها و لحاظ تفاوت‌ها و شباهت‌ها بین مقوله‌های فرعی. این اقدامات اطمینان‌بخش بودند که یافته‌های پژوهش دقیق، معتبر و تأییدپذیر هستند.

یافته‌ها

۸ مضمون اصلی و چندین مضمون فرعی از داده‌ها استخراج شد که می‌تواند دیدگاه معلمان درباره نقش و جایگاه خود در تربیت تمام‌ساحتی دانش‌آموزان را به تصویر بکشد. این مضامین عبارتند از:

جدول (۱): مضامین اصلی و فرعی حاصل از مصاحبه‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی
روشهای تدریس و راهکارهای ترویج و پرورش رفتارهای عبادی و فضایل اخلاقی دانش‌آموزان	مدل‌سازی ارزش‌ها و اعتقادات
	ایجاد فضای آموزشی منعطف
	برگزاری بحث‌ها و گفتگوها
	تشویق به تفکر فعال
	برگزاری فعالیت‌های مرتبط با ارزش‌ها
روشهای تدریس و راهکارهای تربیت اقتصادی و حرفه‌ای دانش‌آموزان	ارائه مفاهیم اساسی
	تشویق به تفکر اقتصادی
	ارتباط با واقعیت
	الگوی مثبت
روشهای تدریس و راهکارهای تربیت علمی و فناوری دانش‌آموزان	انگیزش به یادگیری
	توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و مسئله‌محور
	آموزش مهارت‌های مرتبط با فناوری
	تشکیل تفکر طراحی و خلاقیت
روشهای تدریس و راهکارهای تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان	توسعه مهارت‌های ارتباطی و همکاری در دانش‌آموزان
	ارتقاء آگاهی دانش‌آموزان از مسائل اجتماعی و سیاسی
	تقویت مشارکت دانش‌آموزان در امور مدنی و سیاسی

تربیت مهارت‌های ورزشی و فیزیکی	روشهای تدریس و راهکارهای تربیت زیستی و بدنی دانش آموزان
آموزش در مورد بهداشت و سلامت	
تربیت ارزش‌های زیستی	
تربیت مهارت‌های امنیتی	
توسعه استعدادهای هنری	روشهای تدریس و راهکارهای تربیت زیبایی شناختی و هنری دانش آموزان
ارتقاء ذوق هنری	
ارزیابی هنری	
شرکت در فرهنگ هنری جامعه	
چالش‌های مربوط به برنامه درسی و ساختار آموزشی	چالش‌های معلمان در پیاده سازی تربیت تمام ساحتی
چالش‌های مربوط به تأمین منابع و امکانات آموزشی	
چالش‌های مربوط به آموزش و توسعه حرفه‌ای معلمان	
چالش‌های مربوط به مدیریت کلاس درس و روش‌های تدریس	
چالش‌های مربوط به ارزشیابی و بازخورد به فراگیران	
بازنگری در محتوای آموزشی با تأکید بر تربیت همه‌جانبه	پیشنهادهایی برای بهبود آموزش و پرورش در راستای تربیت تمام ساحتی
توسعه فضاها و امکانات آموزشی برای تربیت همه‌جانبه	
ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان در زمینه تربیت تمام ساحتی	
تعامل و همکاری بین مدرسه، خانواده و جامعه برای تحقق تربیت همه‌جانبه	
ایجاد نظام ارزشیابی جامع برای پایش پیشرفت دانش‌آموزان در همه ساحت‌ها	

مضمون اصلی (۱): روشهای تدریس و راهکارهای ترویج و پرورش رفتارهای عبادی و فضایل اخلاقی دانش آموزان: در این مضمون، تجارب معلمان در انتقال باورها و ارزش‌های دینی به دانش آموزان، همراه با راهکارهای برانگیختن رفتارهای عبادی در آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، به چگونگی پرورش فضایل اخلاقی توسط معلمان در محیط مدرسه پرداخته می‌شود که از نتایج مصاحبه‌ها چندین مضمون فرعی به این شکل استخراج گردید:

۱-۱) مدل‌سازی ارزش‌ها و اعتقادات: معلمان باید با نشان دادن رفتارهای مطلوب و ارتقایی، به عنوان مدل‌های ارزشمند عمل کنند تا دانش‌آموزان از طریق تقلید از آنها، ارزش‌ها و اعتقادات مثبت را یاد بگیرند که یکی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در این رابطه به شرح زیر می‌باشد:

"به عنوان معلم، نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و اعتقادات به دانش‌آموزان دارم. من سعی می‌کنم با رفتار و کردار خود، مدلی از فرد متعهد و متدین باشم. وقتی دانش‌آموزان مرا ببینند که با دقت و وقار نماز می‌خوانم، یا به موقع به مسجد می‌روم، یا با همکاران و والدین با احترام و محبت رفتار می‌کنم، متوجه می‌شوند که این رفتارها چقدر اهمیت دارند. این مدل‌سازی در کنار آموزش مستقیم، بسیار تأثیرگذار است و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ارزش‌های دینی و اخلاقی را در رفتار خود نهادینه کنند."

یکی از معلمان بیان می‌کند: "من سعی می‌کنم با رفتار و کردار خود، مدلی از فرد متعهد باشم. وقتی دانش‌آموزان مرا ببینند که با دقت نماز می‌خوانم، متوجه اهمیت آن می‌شوند."

۲-۱) ایجاد فضای آموزشی منعطف: معلمان باید محیطی ایجاد کنند که دانش‌آموزان به آزادی بیان اعتقادات و ارزش‌های خود احترام بگذارند و با دیگران احترام و تفاهم داشته باشند.

"ایجاد یک محیط آموزشی منعطف و باز برای بحث در مورد ارزش‌ها و اعتقادات بسیار مهم است. من سعی می‌کنم کلاس درس را به گونه‌ای طراحی کنم که دانش‌آموزان احساس امنیت و آزادی بیان داشته باشند. آنها باید بدانند که می‌توانند نظرات و باورهای خود را بدون ترس از قضاوت مطرح کنند. من همواره به آنها یادآور می‌شوم که تنوع در اعتقادات و ارزش‌ها امری طبیعی و مثبت است. ما با احترام به یکدیگر گوش می‌دهیم و در مورد تفاوت‌ها به بحث و گفتگو می‌پردازیم. این باعث می‌شود دانش‌آموزان نه تنها ارزش‌های خود را تقویت کنند، بلکه درک و تفاهم بیشتری نسبت به دیدگاه‌های متفاوت پیدا کنند. به نظر من، این رویکرد انعطاف‌پذیر و احترام‌آمیز زمینه‌ساز تربیت شهروندان متعهد و همدل است."

"من فضایی ایجاد می‌کنم که دانش‌آموزان احساس امنیت داشته باشند و نظرات خود را آزادانه بیان کنند."

۳-۱) برگزاری بحث‌ها و گفتگوها: معلمان باید فرصت‌های بحث و گفتگو را فراهم کنند تا دانش‌آموزان بتوانند در مورد مسائل اعتقادی و ارزشی مختلف به تبادل نظر پرداخته و دیدگاه‌های متنوع را شنوا کنند.

"بحث و گفتگو در مورد موضوعات اعتقادی و ارزشی یکی از جزء لاینفک برنامه درسی من است. به عنوان مثال، چندی پیش در کلاس در مورد موضوع "احترام به بزرگ‌تر" بحث کردیم. ابتدا من چند سوال باز پرسیدم تا دانش‌آموزان به فکر فرو روند و دیدگاه‌های خود را بیان کنند. مثلاً پرسیدم "به نظر شما چرا باید به بزرگ‌ترها احترام بگذاریم؟"، "چه رفتارهایی نشانه احترام به بزرگ‌ترها هستند؟"، "آیا همیشه باید به همه بزرگ‌ترها احترام بگذاریم؟ دانش‌آموزان با شور و اشتیاق به این سوالات پاسخ دادند و نظرات جالبی را مطرح کردند. برخی گفتند که باید به خاطر سن و تجربه به بزرگ‌ترها احترام گذاشت، برخی دیگر معتقد بودند که فقط به بزرگ‌ترهایی که رفتار خوبی دارند باید احترام گذاشت. من سعی کردم همه دیدگاه‌ها را با دقت گوش دهم و به دانش‌آموزان اجازه دهم تا با یکدیگر به بحث و گفتگو بپردازند. در پایان هم به جمع‌بندی موضوع پرداختم و معیارهای احترام به بزرگ‌ترها را مرور کردم. این نوع بحث‌ها و گفتگوها باعث می‌شود دانش‌آموزان نه تنها دیدگاه‌های متفاوت را بشنوند، بلکه بتوانند مهارت‌های ارتباطی و تفکر انتقادی خود را تقویت کنند. همچنین این موضوعات به آنها کمک می‌کند تا درک بهتری از ارزش‌ها و اصول اخلاقی پیدا کنند."

"مثلاً وقتی در کلاس درباره 'تأثیر راستگویی بر روابط اجتماعی' گفت‌وگو می‌کنم. ابتدا از دانش‌آموزان می‌خواهم تجربه‌های خود را در زمینه راستگویی و دروغگویی بیان کنند. سپس سؤالاتی مانند 'چرا راستگویی مهم است؟'، 'آیا همیشه باید راست گفت؟' و 'چگونه دروغ بر اعتماد دیگران تأثیر می‌گذارد؟' مطرح می‌کنم. دانش‌آموزان با بیان تجربیات شخصی و نظرات خود، به یکدیگر گوش می‌دهند و درک عمیق‌تری از اهمیت راستگویی پیدا می‌کنند. این جلسات باعث می‌شود دانش‌آموزان اهمیت صداقت را در زندگی اجتماعی خود بهتر درک کنند و به تقویت ارزش‌های اخلاقی بپردازند."

۴-۱) تشویق به تفکر فعال: معلمان باید دانش‌آموزان را تشویق کنند تا با تفکر انتقادی و خلاقیت، به تحلیل ارزش‌ها و اعتقادات خود بپردازند و نقدهای سازنده برای بهبود آنها ارائه کنند.

"توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقیت در دانش‌آموزان یکی از اولویت‌های اصلی من در آموزش موضوعات اعتقادی و ارزشی است. به عنوان مثال، در درس فارسی، هنگام بررسی موضوع "صداقت و راستگویی"، ابتدا سؤالات باز و چالش‌برانگیزی را مطرح می‌کنم تا دانش‌آموزان به تفکر عمیق‌تر تشویق شوند. سؤالاتی مانند "چرا صداقت اهمیت دارد؟"، "آیا همیشه باید راست گفت یا گاهی اوقات دروغ گفتن توجیه پذیر است؟"، "چه مواردی می‌توانند باعث شوند که فرد به دروغ گفتن وسوسه شود؟" در این راستا مطرح می‌شوند. پس از آن، دانش‌آموزان را تشویق می‌کنم تا در مورد این سؤالات به بحث و گفتگو بپردازند و دلایل خود را ارائه دهند. در طول بحث، من سعی می‌کنم با طرح سؤالات هدفمند، دانش‌آموزان را به تفکر عمیق‌تر و نقد سازنده ارزش‌ها و اعتقادات ترغیب کنم. برای مثال، در پاسخ به دیدگاه یکی از دانش‌آموزان که می‌گفت "همیشه باید راست گفت چون دروغ گفتن گناه است"، ممکن است بپرسم "آیا می‌توانید مثال‌هایی از شرایطی که دروغ گفتن توجیه پذیر باشد را ارائه دهید؟" یا "به نظر شما چه عوامل دیگری، غیر از دینی، می‌توانند باعث شوند که فرد به دروغ گفتن متوسل شود؟ بدین ترتیب، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند تا با تفکر انتقادی و خلاق، به بررسی عمیق‌تر ارزش‌ها و اعتقادات بپردازند و پیشنهادات سازنده‌ای برای بهبود آنها ارائه دهند. این رویکرد به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله را توسعه دهند و به شهروندان فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند."

"با طرح سؤالات چالش‌برانگیز، دانش‌آموزان را به تحلیل ارزش‌ها و اعتقادات خود ترغیب می‌کنم."

۱-۵) برگزاری فعالیتهای مرتبط با ارزش‌ها: برگزاری فعالیتهای مرتبط با ارزش‌ها و اعتقادات، مانند برنامه‌های عبادی، خدمات اجتماعی و ارائه خدمات به جامعه، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ارزش‌های خود را به کارگیری عملی بیاندازند.

"یکی از رویکردهای موثر برای تعمیق ارزش‌ها و اعتقادات در دانش‌آموزان، برگزاری فعالیتهای عملی و کاربردی مرتبط با این موضوعات است. در طول سال تحصیلی، من و همکارانم با برنامه‌ریزی دقیق، فعالیتهای متنوعی را در این زمینه برای دانش‌آموزان برگزار می‌کنیم. به عنوان مثال، هنگام بررسی موضوع "خدمت به انسان‌ها"، یک برنامه خدمات اجتماعی مانند جمع‌آوری کمک‌های مالی و غذایی برای افراد نیازمند برنامه‌ریزی می‌کنیم. دانش‌آموزان با مشارکت فعال در این فعالیت، فرصت پیدا می‌کنند تا ارزش‌های مهمی همچون همدلی، نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری را در عمل تجربه کنند. همچنین، در ایام ماه مبارک رمضان، برنامه‌های عبادی مانند برپایی نماز جماعت و افطاری در مدرسه را سازمان‌دهی می‌کنیم. این فعالیتهای به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ارزش‌هایی همچون ایمان، عبادت و معنویت را در عمل تجربه کنند."

"در مدرسه، هنگام مناسبت‌های خاص مانند روزهای ملی و مذهبی، برنامه‌هایی ترتیب می‌دهیم که دانش‌آموزان بتوانند ارزش‌های موردنظر را در عمل تجربه کنند. برای مثال، در روز درختکاری، هر دانش‌آموز یک نهال می‌کارد و درباره اهمیت حفاظت از محیط‌زیست صحبت می‌کنیم. این فعالیت باعث می‌شود دانش‌آموزان به طور عملی مفهوم مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط‌زیست را درک کنند."

مضمون اصلی (۲): روشهای تدریس و راهکارهای تربیت اقتصادی و حرفه‌ای دانش‌آموزان: این مضمون بر آموزش و پرورش مهارت‌های اقتصادی و حرفه‌ای دانش‌آموزان تمرکز دارد. طراحی روش‌های

تدریس متنوع و مشارکتی، همراه با برنامه‌های خارج از کلاس برای تجربه کاربردی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با مفاهیم مالی، مهارت‌های شغلی و کارآفرینی آشنا شوند و برای آینده حرفه‌ای خود آماده شوند که در این زمینه از مصاحبه معلمان چندین مضمون به شرح زیر استخراج شد:

۱-۲) ارائه مفاهیم اساسی: معلمان با ارائه مفاهیم اساسی اقتصادی و حرفه‌ای، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا اصول و مبانی این حوزه‌ها را درک کنند. آن‌ها با استفاده از روش‌های آموزشی مناسب، مفاهیمی مانند عرضه و تقاضا، سیستم‌های اقتصادی، مدیریت مالی، بازار کار و مهارت‌های حرفه‌ای را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند که یکی از گفته‌های مشارکت کنندگان در این رابطه به شرح زیر می‌باشد:

"در کلاس من، ارائه مفاهیم اساسی اقتصادی و حرفه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از روش‌های من استفاده از داستان‌های ساده و جذاب است که مفاهیمی مانند عرضه و تقاضا، سیستم‌های اقتصادی و مدیریت مالی را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد. برای مثال، داستان یک فروشگاه کوچک که در یک محله قرار دارد و چگونه عرضه محصولات مختلف و تقاضای مشتریان بر فروش تأثیر می‌گذارد، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا این مفاهیم را به خوبی درک کنند. همچنین از بازی‌های آموزشی استفاده می‌کنم تا دانش‌آموزان بتوانند در یک محیط شبیه‌سازی شده با این مفاهیم آشنا شوند و تجربه کنند."

"از دانش‌آموزان می‌خواهم نقش‌های مختلفی مانند مشتری، فروشنده، مدیر فروشگاه و حسابدار را بازی کنند. هر گروه باید تصمیماتی درباره قیمت‌گذاری، خرید و فروش بگیرد و سپس نتایج را با هم به اشتراک بگذارند."

۲-۲) تشویق به تفکر اقتصادی: معلمان با تشویق دانش‌آموزان به تفکر اقتصادی، آن‌ها را به تحلیل و ارزیابی مسائل اقتصادی و حرفه‌ای ترغیب می‌کنند. آن‌ها به دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه از مفاهیم اقتصادی در زندگی روزمره خود استفاده کنند و تصمیم‌های درست اقتصادی بگیرند.

"تشویق دانش‌آموزان به تفکر اقتصادی یکی از اهداف من در تدریس است. من سعی می‌کنم با طرح سوالاتی که آن‌ها را به تحلیل و ارزیابی مسائل اقتصادی ترغیب کند، آن‌ها را به چالش بکشم. برای مثال، در درس خرید و فروش در محله کتاب مطالعات اجتماعی چهارم از آن‌ها می‌پرسم که چگونه می‌توانند پول توجیبی خود را مدیریت کنند یا چگونه می‌توانند برای خرید یک اسباب‌بازی مورد علاقه‌شان پس‌انداز کنند. این نوع سوالات به آن‌ها کمک می‌کند تا مفهوم بودجه‌بندی و تصمیم‌گیری اقتصادی را درک کنند و این مفاهیم را در زندگی روزمره‌شان به کار ببرند."

"من سعی می‌کنم با طرح سوالات چالش‌برانگیز و واقعی، دانش‌آموزان را به تفکر در مورد مسائل اقتصادی ترغیب کنم. به عنوان مثال، وقتی درباره موضوعی مانند خرج کردن پول صحبت می‌کنیم، از آن‌ها می‌پرسم که چگونه می‌توانند بهترین تصمیم را بگیرند."

۳-۲) ارتباط با واقعیت: معلمان با ایجاد ارتباط بین مفاهیم اقتصادی و حرفه‌ای و واقعیت‌های زندگی، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا درک عمیقی از این مفاهیم پیدا کنند. آن‌ها می‌توانند از مثال‌های واقعی، مطالعات موردی و تمرین‌های عملی استفاده کنند تا دانش‌آموزان را با مسائل اقتصادی و حرفه‌ای در دنیای واقعی آشنا کنند.

"یکی از روش‌های موثر در آموزش مفاهیم اقتصادی، ارتباط دادن آن‌ها با واقعیت‌های زندگی است. من اغلب از مثال‌های واقعی استفاده می‌کنم تا مفاهیم اقتصادی را برای دانش‌آموزان قابل فهم‌تر کنم. مثلاً وقتی در مورد بودجه‌بندی صحبت می‌کنیم، از آن‌ها می‌خواهم که یک بودجه برای خانواده‌شان تهیه کنند و در مورد هزینه‌ها و درآمدهای مختلف صحبت کنند. این تمرین به آن‌ها کمک می‌کند تا بفهمند چگونه مفاهیم اقتصادی در زندگی روزمره‌شان کاربرد دارد."

"مثلاً وقتی درباره پول و خرج کردن صحبت می‌کنیم، از بچه‌ها می‌خواهم که درباره خریدهای خود فکر کنند. مثلاً از آن‌ها می‌پرسم که اگر ۱۰ هزار تومان داشته باشند، چه چیزهایی می‌توانند بخرند و چگونه باید تصمیم بگیرند که چه چیزی برایشان مهم‌تر است."

۲-۴) الگوی مثبت: معلمان با بودن الگوی مثبت برای دانش‌آموزان، به آن‌ها نشان می‌دهند که چگونه به عنوان یک فرد اقتصادی و حرفه‌ای موفق عمل کنند. آن‌ها می‌توانند با به اشتراک گذاشتن تجربیات و داستان‌های موفقیت خود، برای دانش‌آموزان الهام‌بخش باشند و به آن‌ها نشان دهند که برای رسیدن به اهداف خود قابلیت دارند.

"به عنوان یک معلم، من سعی می‌کنم در رفتار و گفتار خود الگوی مناسبی برای دانش‌آموزانم باشم. من همواره سعی می‌کنم به آن‌ها نشان دهم که چگونه می‌توانند موفق عمل کنند. برای مثال، من در کلاس درس همواره سر ساعت حاضر می‌شوم و وظایفم را به درستی انجام می‌دهم. این به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که اهمیت زمان بندی و مسئولیت پذیری در موفقیت حرفه‌ای چقدر مهم است. همچنین من داستان‌های موفقیت خود در پیشرفت حرفه‌ای را با آن‌ها در میان می‌گذارم تا ببینند که با تلاش و پشتکار می‌توان به اهداف حرفه‌ای رسید. من همیشه در مورد اهمیت آموزش و یادگیری مداوم برای پیشرفت حرفه‌ای صحبت می‌کنم. به دانش‌آموزان می‌گویم که من هر سال دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های متعددی را برای بهبود مهارت‌های خود می‌گذرانم. این به آن‌ها نشان می‌دهد که در دنیای امروز، توقف یادگیری به معنای عقب ماندن است. در مورد بودجه بندی شخصی و پس انداز نیز به دانش‌آموزان توصیه‌هایی می‌کنم. من به آن‌ها می‌گویم که چگونه من هر ماه بخشی از درآمد را پس انداز می‌کنم تا بتوانم در آینده اهداف مالی خود را محقق سازم. این به آن‌ها کمک می‌کند که از همان ابتدا مهارت‌های مدیریت مالی را بیاموزند."

"من معتقدم که معلمان باید به عنوان الگوی مثبت برای دانش‌آموزان عمل کنند. وقتی دانش‌آموزان ببینند که معلم‌شان با انگیزه و تلاش به اهداف خود می‌رسد، برای آن‌ها الهام‌بخش خواهد بود."

مضمون اصلی (۳): روش‌های تدریس و راهکارهای تربیت علمی و فناوری دانش‌آموزان: برای این مضمون، روش‌های تدریس مؤثر و کارآمد که همگام با پیشرفت‌های علمی و فناوری است، می‌تواند بر رشد و توسعه دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف علمی و فناوری تأثیر مثبت داشته باشد. این روش‌ها باید متناسب با نیازها و ویژگی‌های دانش‌آموزان طراحی شده و موجب ایجاد انگیزه و علاقه در آن‌ها برای یادگیری شود.

۱-۳) انگیزش به یادگیری: معلمان می‌توانند با تشویق و الهام دادن به دانش‌آموزان، انگیزه آن‌ها را برای

یادگیری مطالب علمی و فناوری بالا ببرند. آن‌ها می‌توانند با روش‌های تدریس تعاملی و جذاب، اعتماد به نفس دانش‌آموزان را تقویت کنند و آن‌ها را به کشف دنیای علمی و فناوری ترغیب کنند که گفته یکی از معلمان مبین این موضوع می‌باشد:

"من برای افزایش انگیزه دانش‌آموزان در یادگیری علوم و فناوری، سعی می‌کنم فعالیت‌های آزمایشگاهی و پروژه‌های جذاب را در کلاس طراحی کنم. استفاده از مواد و ابزارهای واقعی و اجازه دادن به دانش‌آموزان برای آزمایش و کشف خودشان، به طور چشمگیری در افزایش انگیزه و اعتماد به نفس آنها موثر بوده است."

"به طور مثال، وقتی موضوعی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر را تدریس می‌کنم، دانش‌آموزان را به گروه‌های کوچک تقسیم می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم که پروژه‌های عملی درباره انرژی خورشیدی یا باد انجام دهند. این فعالیت‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا با مفهوم انرژی به صورت عملی آشنا شوند و خودشان تجارب جدیدی کسب کنند."

۳-۲) توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و مسئله‌محور: معلمان می‌توانند با روش‌های تدریسی که بر اساس حل مسائل و تفکر انتقادی است، مهارت‌های انتقادی و تحلیلی دانش‌آموزان را تقویت کنند. این مهارت‌ها بسیار اساسی برای ارزیابی و حل مسائل علمی و فنی هستند.

"در کلاس، مسائل واقعی و چالش‌برانگیز علمی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهم تا با تفکر انتقادی و خلاقیت، راه‌حل‌های نوآورانه پیدا کنند. این باعث می‌شود تا مهارت‌های تحلیلی و تصمیم‌گیری آن‌ها تقویت شود. در کلاس من، درباره موضوع "آلودگی هوا" تدریس می‌کردم. به عنوان معلم، مسائل چالش برانگیزی را در این زمینه مطرح کردم:

- چرا هوا در برخی مناطق شهری آلوده‌تر است و چه تأثیری بر سلامت مردم دارد؟

- چه راه‌کارهایی می‌توان برای کاهش آلودگی هوا در شهرها اجرا کرد؟

- دانش‌آموزان چه نقشی می‌توانند در حل این مشکل داشته باشند؟

سپس به دانش‌آموزان فرصت می‌دهم تا با تفکر خلاقانه و انتقادی، راه‌حل‌های نوآورانه‌ای را برای این مسائل پیدا کنند. این کار باعث می‌شود مهارت‌های تحلیلی و تصمیم‌گیری آنها تقویت شود. به این ترتیب، دانش‌آموزان نه تنها اطلاعات علمی را فرا می‌گیرند، بلکه مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی را نیز توسعه می‌دهند که برای موفقیت در زندگی بسیار مهم هستند."

"یکی از روش‌های من استفاده از «مسئله‌های واقعی» است. برای مثال، وقتی درباره تغییرات آب و هوایی صحبت می‌کنیم، از دانش‌آموزان می‌خواهم که گروهی کار کنند و راهکارهایی برای کاهش اثرات منفی تغییرات آب و هوایی ارائه دهند. این فعالیت نه تنها به آن‌ها مهارت‌های تفکر انتقادی می‌آموزد، بلکه آن‌ها را به حل مسئله‌های واقعی ترغیب می‌کند."

۳-۳) آموزش مهارت‌های مرتبط با فناوری: معلمان می‌توانند به دانش‌آموزان آموزش دهند که چگونه از ابزارها و فناوری‌های مدرن برای حل مسائل و پیشرفت در زمینه‌های مختلف استفاده کنند. این شامل مهارت‌های مرتبط با کامپیوتر، اینترنت، نرم‌افزارهای مختلف و سایر فناوری‌های نوین است.

"من به دانش‌آموزان آموزش می‌دهم که چگونه از رایانه، اینترنت و نرم‌افزارهای مختلف برای انجام تکالیف و پژوهش‌های خود استفاده کنند. این مهارت‌ها برای موفقیت آن‌ها در زمینه علم و فناوری بسیار مهم است."

"مثلا در درس کار و فناوری یکی از پروژه‌هایی که اجرا می‌کنیم، ساخت کارت تبریک دیجیتال است. دانش‌آموزان با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند Canva یا Google Slides، کارت‌های تبریک برای مناسبت‌های خاص طراحی می‌کنند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های طراحی و کار با کامپیوتر را یاد بگیرند."

۳-۴) تشکیل تفکر طراحی و خلاقیت: معلمان می‌توانند با ایجاد محیط‌های آموزشی که به تشویق خلاقیت و تفکر طراحی می‌پردازند، دانش‌آموزان را برای حل مسائل به شکل خلاقانه و نوآورانه آماده کنند.

"برای پرورش تفکر طراحی و خلاقیت، سعی می‌کنم فضای کلاس را به گونه‌ای آماده کنم که دانش‌آموزان بتوانند ایده‌های نوآورانه خود را بروز دهند. به عنوان مثال، در درس علوم، از آنها می‌خواهم تا راه حل‌های خلاقانه‌ای برای مشکلات محیطی ارائه دهند. این کار باعث می‌شود تا آنها مهارت‌های طراحی و خلاقیت خود را تقویت کنند."

"مثلا من در کلاس هنر از بچه‌ها می‌خواهم با استفاده از مواد مختلف مانند کاغذ، رنگ و مقوا، آثار هنری خود را بسازند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا بدون محدودیت‌های خاص، خلاقیت خود را آزادانه ابراز کنند."

مضمون اصلی (۴): روش‌های تدریس و راهکارهای تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان: این ساحت به توسعه مهارت‌های اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان، ارتقاء هم‌افزایی و هم‌دلی در جامعه، و آگاهی از مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. هدف اصلی این ساحت، آموزش مهارت‌های ارتباطی، همکاری، تعامل اجتماعی و آگاهی از مسائل سیاسی و اجتماعی به‌طوری که دانش‌آموزان بتوانند به‌طور موثر در جامعه‌ی مدنی و سیاسی مشارکت کنند. نقش معلم در تربیت مهارت‌های اجتماعی و سیاسی نیز بسیار حیاتی است و می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر روی زندگی افراد و جوامع داشته باشد که نتایج حاصل از مصاحبه‌ها در قالب چندین مضمون فرعی به شکل زیر استخراج شد:

۴-۱) توسعه مهارت‌های ارتباطی و همکاری در دانش‌آموزان: این مضمون فرعی به آموزش مهارت‌های ارتباطی موثر، گوش دادن فعال، حل تعارض و همکاری تیمی در دانش‌آموزان می‌پردازد. هدف آن تربیت شهروندان مشارکت‌جو و مسئولیت‌پذیر است.

"در کلاس‌های درس خود همواره بر ارتقای مهارت‌های ارتباطی و همکاری دانش‌آموزان تأکید می‌کنم. با تمرین‌هایی مانند بحث گروهی، نقش‌آفرینی و حل مسائل تیمی، آنان را به گوش دادن فعال، ابراز نظر محترمانه و کار جمعی تشویق می‌کنم. این مهارت‌ها نه تنها برای موفقیت تحصیلی آنان مفید است، بلکه زمینه‌ساز مشارکت فعال و مسئولانه در آینده خواهد بود."

"من از بحث‌های گروهی استفاده می‌کنم. در این بحث‌ها، دانش‌آموزان نظرات و ایده‌های خود را درباره یک موضوع خاص به اشتراک می‌گذارند. من آن‌ها را تشویق می‌کنم که به یکدیگر گوش دهند و نظرات

مختلف را مورد بررسی قرار دهند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های گوش دادن فعال را یاد بگیرند و در صورت بروز تعارض، راه‌حل‌های مناسبی پیدا کنند."

«من از بازی‌های گوش دادن فعال استفاده می‌کنم. مثلاً در یک بازی، یک دانش‌آموز داستانی را تعریف می‌کند و بقیه باید به دقت گوش دهند و سپس سوالاتی درباره آن بپرسند. این فعالیت به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های گوش دادن و سوال پرسیدن را تقویت کنند."

۲-۴) ارتقاء آگاهی دانش‌آموزان از مسائل اجتماعی و سیاسی: این مضمون فرعی به آموزش درک مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیط‌زیستی در سطوح محلی، ملی و جهانی می‌پردازد. هدف آن افزایش آگاهی دانش‌آموزان و آماده‌سازی آنان برای مشارکت مدنی و سیاسی است.

"من همواره سعی می‌کنم تا مسائل روز جامعه را به صورت متناسب و مناسب با سطح درک دانش‌آموزان در کلاس مطرح کنم. برای مثال، در مورد موضوعاتی مانند حفاظت از محیط‌زیست، نابرابری‌های اجتماعی یا مشارکت در انتخابات با آنان بحث و تبادل نظر می‌کنم. هدف من این است که دانش‌آموزان نسبت به این مسائل آگاه شده و از همین دوران ابتدایی به مشارکت فعال در امور جامعه تشویق شوند."

"من به بچه‌ها می‌گویم تحقیق انجام دهند. دانش‌آموزان درباره موضوعاتی مانند محیط‌زیست، حقوق بشر یا مسائل محلی تحقیق می‌کنند و نتایج خود را در کلاس ارائه می‌دهند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا با مسائل روز آشنا شوند و نظرات خود را بیان کنند."

۳-۴) تقویت مشارکت دانش‌آموزان در امور مدنی و سیاسی: این مضمون فرعی به تشویق و آموزش دانش‌آموزان در جهت مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه، انجمن‌های دانش‌آموزی و فعالیت‌های سیاسی متناسب با سن آنان می‌پردازد. هدف آن تربیت شهروندان فعال و مسئولیت‌پذیر است.

"برای تقویت مشارکت مدنی و سیاسی دانش‌آموزان، فرصت‌هایی را برای مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و انجمن‌های دانش‌آموزی فراهم می‌کنم. به‌طور مداوم به دانش‌آموزان فرصت‌هایی می‌دهم تا در فرایندهای تصمیم‌گیری مدرسه مشارکت کنند. برای مثال، آن‌ها را در طراحی قوانین و مقررات کلاس درگیر می‌کنم. این کار باعث می‌شود که دانش‌آموزان احساس مسئولیت بیشتری نسبت به امور مدرسه و جامعه پیدا کنند."

"برگزاری فعالیت‌هایی مانند پاک‌سازی پارک‌ها، کاشت درخت یا جمع‌آوری زباله‌ها در محل‌های عمومی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط‌زیست را یاد بگیرند."

مضمون اصلی (۵): روشهای تدریس و راهکارهای تربیت زیستی و بدنی دانش‌آموزان: این ساحت بر ترویج سلامتی و فعالیت‌های بدنی منظم و سبک زندگی سالم در دانش‌آموزان تأکید دارد و به تقویت ساحت زیستی و بدنی آن‌ها کمک می‌کند. هدف اصلی این ساحت، آموزش مهارت‌های مربوط به سلامتی، تغذیه، ورزش و فعالیت‌های بدنی منظم به‌طوری که دانش‌آموزان به‌طور فیزیکی و روحی سالم باشند. نقش معلم در تربیت مهارت‌های زیستی و بدنی بسیار اساسی است و می‌تواند به رشد و توسعه جسمانی و ذهنی دانش‌آموزان کمک کند. با توجه به نتایج مصاحبه از معلمان، چندین مضمون در این زمینه استخراج شد که در ادامه به توضیح و تشریح هر یک پرداخته می‌شود:

۵-۱) تربیت مهارت‌های ورزشی و فیزیکی: معلمان با ارائه برنامه‌های درسی و فعالیت‌های ورزشی مناسب، می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا مهارت‌های ورزشی مختلف را یاد بگیرند و سلامت جسمی‌شان را ارتقا دهند. این شامل مهارت‌های مربوط به ورزش‌های مختلفی مانند فوتبال، بسکتبال، شنا و ... است.

"در درس تربیت بدنی، تلاش می‌کنیم تا مهارت‌های ورزشی متنوعی را به دانش‌آموزان آموزش دهیم. از فوتبال و بسکتبال گرفته تا شنا و دو و میدانی. هدف ما این است که دانش‌آموزان با انواع ورزش‌ها آشنا شوند و بتوانند مهارت‌های پایه‌ای آن‌ها را کسب کنند. این کار نه تنها به سلامت جسمی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه فرصت کسب تجربه در زمینه‌های مختلف ورزشی را نیز به آن‌ها می‌دهد."

"من برای درس تربیت بدنی هم از برنامه تبعیت می‌کنم و تمرین‌های متنوعی به بچه‌ها ارائه می‌دهم. به عنوان مثال، در کلاس‌های فوتبال، دانش‌آموزان را به گروه‌های کوچک تقسیم می‌کنم و تمرینات پایه مانند پاس دادن، دریبل کردن و شوت کردن را به آن‌ها آموزش می‌دهم."

۵-۲) آموزش در مورد بهداشت و سلامت: معلمان می‌توانند به دانش‌آموزان آموزش دهند که چگونه از خودشان و دیگران در مقابل بیماری‌ها و صدمات جسمانی مراقبت کنند. این شامل آموزش مباحث مانند بهداشت دهان و دندان، غذای سالم، فعالیت‌های ورزشی منظم و سایر موارد مرتبط است.

"در درس‌های علوم، همواره سعی می‌کنیم آموزش‌های لازم در زمینه‌ی بهداشت و سلامت را به دانش‌آموزان ارائه دهیم. موضوعاتی مانند بهداشت دهان و دندان، غذای سالم، فعالیت‌های ورزشی و همچنین پیشگیری از بیماری‌ها از جمله مباحثی هستند که همواره به آن‌ها آموزش می‌دهیم. هدف ما این است که دانش‌آموزان بتوانند سلامت خود و دیگران را حفظ و ارتقا دهند."

"من همیشه بر روی غذای سالم تأکید می‌کنم. برای همین در مدرسه برنامه صبحانه سالم داریم و هر ماه این صبحانه را برگزار می‌کنیم تا بچه‌ها با تغذیه سالم آشنا شوند."

۵-۳) تربیت ارزش‌های زیستی: معلمان می‌توانند به دانش‌آموزان آموزش دهند که چگونه به محیط زیست و جانوران و گیاهان که اطرافشان وجود دارند، احترام بگذارند و مراقبت کنند. این مهارت زمینه‌ای را برای شناخت بهتر محیط زیست و حفظ آن فراهم می‌کند.

"در درس‌های علوم، همواره تلاش می‌کنیم به دانش‌آموزان آموزش دهیم که چگونه به محیط زیست و موجودات زنده پیرامون خود احترام بگذارند. این امر شامل حفاظت از گیاهان و جانوران، کاهش آلودگی و مدیریت منابع طبیعی است. هدف ما این است که دانش‌آموزان نسبت به محیط زیست خود آگاه شوند و مسئولیت حفاظت از آن را بر عهده بگیرند."

"به عنوان مثال، یکی از فعالیت‌های ما گشت و گذار در طبیعت است. در این فعالیت، دانش‌آموزان به پارک‌ها یا مناطق طبیعی نزدیک به مدرسه می‌روند و با گیاهان و جانوران آشنا می‌شوند. این تجربه به آن‌ها کمک می‌کند تا از نزدیک با محیط زیست ارتباط برقرار کنند."

۵-۴) تربیت مهارت‌های امنیتی: معلمان می‌توانند به دانش‌آموزان آموزش دهند که چگونه در مواجهه با موقعیت‌های خطرناک و اضطراب‌آور، از خودشان و دیگران مراقبت کنند. این شامل مهارت‌هایی مانند

امدادرسی، اطلاعات در مورد اولین کمک، و مهارت‌های ایمنی در محیط‌های مختلف است.

"ما در مدرسه به دانش‌آموزان می‌آموزیم که چگونه در شرایط اضطراب‌آور مثل زلزله یا حوادث، باید برای امنیت خود و دیگران اقدام کنند. این امر شامل آموزش مهارت‌های امدادرسی اولیه، اطلاعات در مورد اولین کمک، و مهارت‌های ایمنی در محیط‌های مختلف مثل خانه، مدرسه، و محیط‌های عمومی است. با برگزاری تمرین‌های شبیه‌سازی و جلسات آموزشی، دانش‌آموزان را برای مواجهه با موقعیت‌های خطرناک آماده می‌کنیم و به آن‌ها نشان می‌دهیم که چطور می‌توانند به دیگران کمک کنند و خودشان را در معرض خطرات حفظ کنند."

"ما از هلال احمر دعوت می‌کنیم تا مباحث امدادرسی را به دانش‌آموزان آموزش دهند. نیروهای امدادسانی هلال احمر به دانش‌آموزان یاد می‌دهند که چگونه در شرایط اضطراری مانند جراحی یا بیماری، اقدامات اولیه را انجام دهند، مانند تماس با خدمات اورژانس و ارائه کمک‌های لازم."

مضمون اصلی (۶): روش‌های تدریس و راهکارهای تربیت زیبایی شناختی و هنری دانش‌آموزان:
این ساحت به توسعه استعدادهای هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان و ارتقاء فرهنگ هنری در جامعه می‌پردازد. هدف اصلی این ساحت، توسعه ذوق هنری، استعدادهای هنری و توانایی‌های ارزیابی هنری دانش‌آموزان به طوری که آن‌ها بتوانند به طور فعال در فرهنگ هنری جامعه شرکت کرده و به توسعه فرهنگ هنری جامعه کمک کنند. با توجه به تحلیل داده‌ها، چندین مضمون فرعی در این زمینه استخراج شد که به توضیح هر یک پرداخته می‌شود:

۶-۱) توسعه استعدادهای هنری: معلمان و مربیان می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا استعدادهای هنری خود را کشف و توسعه دهند، از جمله توانایی‌های نقاشی، موسیقی، نمایشنامه نویسی و سایر هنرها.

"به عنوان معلم هنر، من تلاش می‌کنم تا دانش‌آموزان را به هر فرصتی برای بیان خلاقیت و استعدادهای هنری‌شان تشویق کنم. به عنوان مثال، درس نقاشی را به صورت جذاب و تعاملی ارائه می‌دهم. در یکی از فعالیت‌ها، دانش‌آموزان را به دیدن تصاویری از آثار هنری معروف دعوت می‌کنم و آنها را به رسم یک نقاشی متناسب با احساسات و تجربیات شخصی‌شان تشویق می‌کنم. این کار باعث می‌شود دانش‌آموزان از خلاقیت و استعدادهای خود آگاه شوند و آنها را تشویق به بیان هنری‌شان کنم."

"من در کلاس‌های نقاشی، فعالیت‌هایی برگزار می‌کنم که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا با تکنیک‌های مختلف آشنا شوند. مثلاً آن‌ها می‌توانند با رنگ‌های مختلف کار کنند و آثار خود را به نمایش بگذارند."

۶-۲) ارتقاء ذوق هنری: از طریق برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های هنری، می‌توان ذوق هنری دانش‌آموزان را تقویت کرده و آن‌ها را به خلق و خویشن‌داری در هنر تشویق کرد.

"برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های هنری می‌تواند ذوق هنری دانش‌آموزان را تقویت کند. به عنوان مثال، ما یک کارگاه ترکیب رنگ‌ها برای دانش‌آموزان برگزار کردیم. در این کارگاه، دانش‌آموزان با آزمایش و ترکیب رنگ‌ها به دنبال خلق آثار هنری جدید بودند. این تجربه برای آن‌ها بسیار جذاب بود و ذوق هنری آن‌ها را ارتقا داد."

"من طبق نمایه هنر یک جلسه کلاژ هم برگزار می‌کنم در این جلسه، دانش‌آموزان می‌توانند با مواد مختلف کار کنند و آثار هنری منحصر به فردی خلق کنند. این فعالیت‌ها به آن‌ها حس موفقیت و خلاقیت می‌دهد."

۳-۶) ارزیابی هنری: آموزش روش‌ها و راهکارهای ارزیابی هنری، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا آثار هنری خود را بررسی کرده و بهبود بخشند.

"یکی از روش‌هایی که ما برای ارزیابی هنری دانش‌آموزان استفاده می‌کنیم، برگزاری نمایشگاه‌های هنری است. در این نمایشگاه‌ها، آثار هنری دانش‌آموزان به نمایش گذاشته می‌شود و سپس دانش‌آموزان به ارائه نظرات و بازخوردهای خود در مورد آثار همکلاسی‌هایشان می‌پردازند."

"یکی از روش‌های من در درس هنر نقد همگانی است. در این روش، دانش‌آموزان آثار یکدیگر را مشاهده می‌کنند و نظرات خود را به اشتراک می‌گذارند. این نه تنها به آن‌ها کمک می‌کند تا دیدگاه‌های مختلف را بشنوند، بلکه مهارت‌های انتقادی آن‌ها را نیز تقویت می‌کند."

۴-۶) شرکت در فرهنگ هنری جامعه: مهارت‌های هنری و زیبایی‌شناختی کسب شده توسط دانش‌آموزان، می‌تواند آن‌ها را برای شرکت فعال در فعالیت‌ها و رویدادهای هنری جامعه آماده کند و به توسعه فرهنگ هنری جامعه کمک کند.

"ما دانش‌آموزان را تشویق می‌کنیم که در رویدادهای هنری مختلف جامعه شرکت کنند. به عنوان مثال، یکی از دانش‌آموزان ما در یک مسابقه نقاشی شرکت کرده بود و در آن مسابقه جایزه برنده شد. این تجربه برای او بسیار مفید بود و او را به شرکت فعال‌تر در فعالیت‌های هنری جامعه تشویق کرد."

"مدیر و معاون ما دانش‌آموزان را به جشنواره‌ها و مسابقات هنری منطقه ای می‌فرستند. دانش‌آموزان اینطوری می‌توانند تجربیات جدیدی کسب کنند و با هنرهای مختلف آشنا شوند."

مضمون اصلی (۷): چالش‌های معلمان در پیاده‌سازی تربیت تمام‌ساحتی: تربیت تمام‌ساحتی، رویکردی جامع برای آموزش و پرورش است که تمامی ابعاد شخصیت فراگیران را در نظر می‌گیرد. چالش‌های معلمان در پیاده‌سازی این رویکرد شامل موارد زیر است:

۷-۱) چالش‌های مربوط به برنامه درسی و ساختار آموزشی: برنامه درسی و ساختار آموزشی موجود اغلب بر حفظ مطالب و آزمون‌های استاندارد تأکید دارند و کمتر به جنبه‌های تربیتی و تمام‌ساحتی آموزش و پرورش توجه می‌کنند. این امر موجب می‌شود معلمان با چالش‌هایی در راستای پیاده‌سازی تربیت تمام‌ساحتی مواجه شوند.

"برنامه درسی ما اکثراً بر حفظ مطالب درسی و آزمون‌های استاندارد تأکید دارد. این در حالی است که من به عنوان معلم، می‌خواهم دانش‌آموزان را در همه ابعاد شخصیت خود پرورش دهم. این چالش بزرگی است زیرا ساختار آموزشی موجود این امکان را به ما نمی‌دهد."

"چالش‌های زیادی داریم. یکی از اصلی‌ترین آن‌ها تأکید بیش از حد بر حفظ مطالب است. برنامه‌های درسی معمولاً دانش‌آموزان را به حفظ اطلاعات و آمادگی برای آزمون‌های استاندارد مجبور می‌کند."

"فشار برای کسب نتایج بالا در آزمون‌ها، ما را مجبور می‌کند که بیشتر روی محتوای خاص تمرکز کنیم و به جنبه‌های تربیتی و اجتماعی آموزش کمتر توجه کنیم."

۲-۷) چالش‌های مربوط به تأمین منابع و امکانات آموزشی: معلمان برای پیاده سازی تربیت تمام ساحتی نیازمند منابع و امکانات آموزشی متنوعی هستند که اغلب این امکانات در مدارس محدود است. این امر موجب می‌شود معلمان با چالش‌هایی در تأمین نیازهای آموزشی فراگیران مواجه شوند.

"مدرسه ما امکانات آموزشی محدودی دارد. برای اینکه بتوانم تمام ابعاد شخصیت دانش آموزان را پرورش دهم، نیازمند تجهیزات و منابع متنوعی مانند آزمایشگاه، کارگاه های هنری و ورزشی هستم. متأسفانه این امکانات در مدرسه ما وجود ندارد و این چالش بزرگی در پیاده سازی تربیت تمام ساحتی است."

"به عنوان مثال، ما به ابزارهای هنری، کتاب‌های مرجع، و مواد آموزشی برای فعالیتهای تجربی نیاز داریم. همچنین، امکاناتی مانند فضای مناسب برای فعالیتهای گروهی و بازی‌های آموزشی نیز بسیار مهم است."

۳-۷) چالش‌های مربوط به آموزش و توسعه حرفه‌ای معلمان: معلمان برای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش به آموزش و توسعه حرفه‌ای مستمر نیاز دارند. اما در عمل، فرصت‌های محدود آموزشی و توسعه حرفه‌ای در اختیار معلمان قرار دارد و این امر موجب چالش‌هایی در ارتقای صلاحیتهای حرفه‌ای آنان می‌شود.

"ما معلمان به آموزش‌های مداوم و به روز نیاز داریم تا بتوانیم دانش و مهارت‌های خود را ارتقا دهیم و روش‌های نوین تدریس را فرا بگیریم. اما واقعیت این است که فرصت‌های آموزشی و توسعه حرفه‌ای برای معلمان بسیار محدود است و این موضوع برای ما چالش بزرگی محسوب می‌شود."

"وقتی فرصتی برای یادگیری و به‌روز کردن مهارت‌هایمان نداریم، نمی‌توانیم به بهترین شکل ممکن تدریس کنیم. این موضوع می‌تواند بر کیفیت آموزش تأثیر منفی بگذارد و ما را از تکنیک‌ها و روش‌های نوین دور کند."

"برخی دوره‌های آموزشی وجود دارند، اما معمولاً زمان و مکان برگزاری آن‌ها با برنامه‌های شغلی ما هماهنگ نیست. همچنین، برخی از این دوره‌ها به روز نیستند و به نیازهای واقعی معلمان پاسخ نمی‌دهند."

۴-۷) چالش‌های مربوط به مدیریت کلاس درس و روش‌های تدریس: معلمان با چالش‌هایی در مدیریت کلاس درس و استفاده از روش‌های تدریس مناسب مواجه هستند. این چالش‌ها ناشی از تعداد زیاد دانش آموزان در کلاس‌ها، تنوع سطوح یادگیری و ویژگی‌های فردی آنان است که نیازمند رویکردهای متنوع و انعطاف پذیر در تدریس است.

"در کلاس‌های پرجمعیت، مدیریت دانش‌آموزان و استفاده از روش‌های تدریس مناسب برای هر یک از آنان چالش بزرگی است. هر دانش‌آموز ویژگی‌های فردی خاص خود را دارد و نیازمند رویکردهای متنوع در تدریس است. این موضوع موجب می‌شود من همواره با چالش‌هایی در مدیریت کلاس و استفاده از روش‌های تدریس مناسب مواجه باشم."

"وقتی که تعداد دانش‌آموزان در کلاس زیاد است، ممکن است نتوانیم به همه آن‌ها به طور یکسان توجه کنیم. هر دانش‌آموزی نیازها و سطوح یادگیری متفاوتی دارد و این موضوع می‌تواند مدیریت کلاس را پیچیده کند."

"من به روش‌های فعال و مشارکتی علاقه‌مند هستم. این روش‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بیشتر در

فرایند یادگیری درگیر شوند. اما برای پیاده‌سازی آن‌ها نیاز به زمان و فضای مناسب داریم."

۷-۵) چالش‌های مربوط به ارزشیابی و بازخورد به فراگیران: ارزشیابی و ارائه بازخورد مناسب به فراگیران یکی دیگر از چالش‌های معلمان است. اغلب ارزشیابی‌های موجود بر حفظ و تکرار مطالب تأکید دارند و کمتر به ارزیابی سایر جنبه‌های یادگیری توجه می‌کنند. این امر موجب چالش‌هایی در ارائه بازخورد جامع به دانش‌آموزان می‌شود.

"نظام ارزشیابی موجود در آموزش و پرورش عمدتاً بر حفظ و تکرار مطالب درسی تأکید دارد و کمتر به ارزیابی سایر جنبه‌های یادگیری و رشد دانش‌آموزان توجه می‌کند. این موضوع موجب چالش‌هایی در ارائه بازخورد جامع به آنان می‌شود. ما به عنوان معلمان همواره تلاش می‌کنیم تا فراتر از چارچوب‌های ارزشیابی موجود، به ارزیابی همه‌جانبه دانش‌آموزان بپردازیم."

"وقتی تنها بر حفظ مطالب تأکید می‌شود، دانش‌آموزان فرصت ندارند تا مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت و حل مسئله را توسعه دهند. این مسئله می‌تواند به عدم توانایی آن‌ها در استفاده از اطلاعات در موقعیت‌های واقعی منجر شود."

مضمون اصلی (۸): پیشنهادهایی برای بهبود آموزش و پرورش در راستای تربیت تمام‌ساحتی:
یکی از مهم‌ترین چالش‌های آموزش و پرورش امروز، تربیت دانش‌آموزان به صورت همه‌جانبه و پرورش ابعاد مختلف شخصیت آنهاست. این مضمون به دنبال ارائه پیشنهادهایی برای بهبود این فرآیند است. بر اساس این مضمون، تغییراتی در محتوای آموزشی و روش‌های تدریس ضروری است تا بتوان به طور موثرتری جنبه‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان را پرورش داد و به نیازهای متنوع آنها پاسخ مناسب داد.

۸-۱) بازنگری در محتوای آموزشی با تأکید بر تربیت همه‌جانبه: این بخش بر لزوم بازنگری در محتوای آموزشی با هدف پوشش دادن به ابعاد مختلف شخصیت دانش‌آموزان تأکید دارد. بر اساس این مضمون، محتوای آموزشی نباید صرفاً بر جنبه‌های شناختی تمرکز کند، بلکه باید به پرورش ابعاد عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان نیز بپردازد. این امر به ما کمک می‌کند تا به تربیت همه‌جانبه و متوازن فراگیران دست یابیم و آنها را به عنوان انسان‌های کامل و همه‌جانبه پرورش دهیم.

"به نظر من، برای بهبود آموزش و پرورش در راستای تربیت تمام‌ساحتی، باید محتوای آموزشی را به گونه‌ای طراحی کرد که جنبه‌های مختلف شخصیت دانش‌آموزان را پوشش دهد. نه تنها جنبه‌های شناختی، بلکه ابعاد عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی آنها هم باید مورد توجه قرار گیرد. این کار به ما کمک می‌کند تا فراگیران را به صورت همه‌جانبه پرورش دهیم. علاوه بر محتوای آموزشی مناسب، نیاز است که به تنوع بخشیدن در روش‌های تدریس هم توجه کنیم. دانش‌آموزان با تفاوت‌های فردی متفاوتی در کلاس حضور دارند و ما باید این تفاوت‌ها را در نظر بگیریم. از روش‌های متنوع تدریس مانند یادگیری فعال، حل مسئله و پروژه‌محور استفاده می‌کنیم تا بتوانیم به نیازهای متفاوت آنها پاسخ دهیم."

"دانش‌آموزان نیاز دارند تا در ابعاد عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی پرورش یابند. اگر تنها بر یادگیری

مفاهیم علمی و شناختی تأکید کنیم، نمی‌توانیم انسان‌هایی کامل و همه‌جانبه تربیت کنیم."

"پیشنهاد من این است که محتوای آموزشی را به‌روز کنیم و به ابعاد مختلف یادگیری توجه بیشتری داشته باشیم. همچنین، باید به معلمان آموزش‌های لازم ارائه شود تا بتوانند این ابعاد را در تدریس خود گنجانده و به خوبی مدیریت کنند."

۲-۸) توسعه فضاها و امکانات آموزشی برای تربیت همه‌جانبه: این مضمون فرعی بر اهمیت توسعه فضاها و امکانات آموزشی برای تحقق تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان تأکید دارد. بر اساس این مضمون، صرف تغییر در محتوای آموزشی کافی نیست، بلکه باید فضاها و تجهیزات مناسب نیز فراهم شود تا دانش‌آموزان بتوانند در عرصه‌های مختلف شامل ورزشی، هنری، اجتماعی و معنوی فعالیت کرده و توانمندی‌های خود را شکوفا سازند. این امر نیازمند سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر مسئولان آموزشی به زیرساخت‌ها و امکانات مدارس است.

"در مدرسه ما امکانات و فضاهای آموزشی بسیار محدود هستند. کلاس‌ها شلوغ و فضای بازی و ورزش کافی وجود ندارد. این مسئله باعث می‌شود که فرصت پرورش همه‌جانبه دانش‌آموزان به خصوص در عرصه‌های هنری و ورزشی بسیار محدود شود. بودجه مدارس برای تامین تجهیزات و فضاهای آموزشی مناسب بسیار ناکافی است. باید سرمایه‌گذاری بیشتری در این زمینه صورت گیرد تا بتوانیم امکانات کافی برای پرورش ابعاد مختلف شخصیت دانش‌آموزان فراهم کنیم. مدرسه ما تنها یک سالن ورزشی کوچک دارد که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای دانش‌آموزان نیست. همچنین فضاهای هنری و کارگاهی برای فعالیت‌های خلاقانه به شدت محدود هستند. این مسئله بر کیفیت تربیت همه‌جانبه تأثیر می‌گذارد."

"به عقیده من، توسعه فضاها و امکانات آموزشی برای تربیت همه‌جانبه بسیار حیاتی است. صرفاً تغییر در محتوای آموزشی کافی نیست. ما نیاز داریم تا فضاها و تجهیزات مناسبی فراهم کنیم که دانش‌آموزان بتوانند در عرصه‌های مختلف فعالیت کنند."

۳-۸) ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان در زمینه تربیت تمام‌ساحتی: این مضمون فرعی بر اهمیت ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان در زمینه تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان تأکید دارد. طبق این مضمون، معلمان باید به‌طور مستمر در زمینه‌های مختلف شامل شیوه‌های تدریس فعال، به‌کارگیری روش‌های تربیت اخلاقی و معنوی، ارزیابی همه‌جانبه دانش‌آموزان و مدیریت کلاس آموزش ببینند تا بتوانند به نحو مطلوبی به تربیت کامل دانش‌آموزان بپردازند. این امر نیازمند برنامه‌ریزی منسجم و حمایت نهادهای آموزشی از معلمان است.

"در طول دوران تحصیل و آموزش معلمی، ما آموزش‌های کافی در زمینه تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان دریافت نکردیم. بیشتر تمرکز بر انتقال محتوای درسی بود و کمتر به شیوه‌های تدریس فعال و ارزیابی چندجانبه توجه شد. این مسئله باعث می‌شود که در عمل با چالش‌هایی در این زمینه مواجه شویم."

"مدیریت رفتار دانش‌آموزان و ارتقای جنبه‌های اخلاقی و معنوی آن‌ها همواره یکی از دغدغه‌های اصلی ماست. اما متأسفانه در طی دوره‌های آموزشی معلمان، به این موضوعات به‌طور مفصل پرداخته نمی‌شود. نیاز داریم که در این زمینه‌ها نیز آموزش‌های تخصصی و کاربردی ببینیم."

"ارزیابی همه‌جانبه دانش‌آموزان و شناسایی استعدادها و توانمندی‌های آنان یکی از چالش‌های اساسی ماست. معمولاً تمرکز بر ارزیابی‌های کمی و محدود است. این در حالی است که برای تربیت کامل دانش‌آموزان، نیاز به ابزارها و روش‌های ارزیابی چندبعدی داریم که در دوران آموزش معلمی به آن پرداخته نشده است."

۴-۸) تعامل و همکاری بین مدرسه، خانواده و جامعه برای تحقق تربیت همه‌جانبه: این مضمون فرعی بر اهمیت برقراری ارتباط و همکاری میان مدرسه، خانواده و جامعه در راستای نیل به تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان تأکید دارد. بر اساس این مضمون، مدرسه تنها نهاد مسئول تربیت دانش‌آموزان نیست و خانواده و نهادهای اجتماعی نیز در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کنند. بنابراین، ایجاد هماهنگی و همکاری میان این سه نهاد حیاتی است تا با تلاش مشترک، به تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان دست یابند.

"تعامل خانواده و مدرسه همواره یکی از دغدغه‌های ماست. خانواده‌ها گاهی به دلایل مختلف از جمله مشکلات شغلی و اقتصادی نمی‌توانند به اندازه کافی در آموزش و پرورش فرزندان خود مشارکت داشته باشند. این امر باعث می‌شود که بار سنگینی بر دوش مدرسه و معلمان قرار بگیرد."

"در برخی موارد، خانواده‌ها به دلیل فرهنگ و باورهای خود، با اقدامات تربیتی مدرسه همسو نیستند. این ناهماهنگی می‌تواند بر پیشرفت دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد. ما نیاز داریم که با برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای، خانواده‌ها را در مسیر تربیت همه‌جانبه فرزندان خود هدایت کنیم."

"ارتباط مدرسه با نهادهای اجتماعی مثل مراکز فرهنگی و ورزشی بسیار کم است. این در حالی است که این نهادها می‌توانند با ارائه فعالیت‌های متنوع، به تحقق تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان کمک کنند. ما نیاز داریم که این همکاری‌ها را تقویت کنیم."

۵-۸) ایجاد نظام ارزشیابی جامع برای پایش پیشرفت دانش‌آموزان در همه ساحت‌ها: این مضمون فرعی بر ضرورت ایجاد نظام ارزشیابی جامعی تأکید دارد که علاوه بر سنجش دستاوردهای آموزشی دانش‌آموزان، به ارزیابی پیشرفت آنان در همه ساحت‌های تربیتی از جمله حوزه‌های شناختی، عاطفی-اجتماعی و مهارت‌های زندگی بپردازد. چنین نظام ارزشیابی‌ای می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان در ابعاد مختلف و برنامه‌ریزی برای بهبود آن‌ها کمک کند.

"نظام ارزشیابی کنونی بیشتر بر جنبه‌های آموزشی و دستاوردهای درسی دانش‌آموزان تمرکز دارد. در حالی که ما به ارزیابی همه ساحت‌های تربیتی آنان نیاز داریم. متأسفانه در بسیاری از مدارس، تنها به نمرات دروس توجه می‌شود و سایر جنبه‌های تربیت دانش‌آموزان مورد غفلت قرار می‌گیرد."

"مشکل دیگر این است که نتایج ارزشیابی‌ها عمدتاً به ارتقای پایه تحصیلی دانش‌آموزان ختم می‌شود و کمتر به برنامه‌ریزی برای رفع نقاط ضعف و تقویت جنبه‌های مثبت آنان می‌انجامد. ما نیاز داریم که نتایج ارزشیابی‌ها به طور سیستماتیک برای طراحی برنامه‌های آموزشی و تربیتی مناسب استفاده شود."

"روش‌های ارزشیابی هم باید متنوع باشد و صرفاً به آزمون‌های کتبی محدود نشود. ما باید از ابزارهایی همچون مشاهده، مصاحبه و پوشه‌ارزشیابی برای سنجش همه ابعاد تربیتی دانش‌آموزان استفاده کنیم. این موضوع نیازمند تغییر در نگرش و رویکرد ارزشیابی در نظام آموزشی است."

هدف از این مطالعه کشف و توصیف دیدگاه معلمان درباره نقش و جایگاه خود در تربیت تمام‌ساحتی بود که منجر به استخراج مضامین اصلی روشهای تدریس و راهکارهای ترویج و پرورش رفتارهای عبادی و فضایل اخلاقی دانش‌آموزان، روشهای تدریس و راهکارهای تربیت اقتصادی و حرفه‌ای دانش‌آموزان، روشهای تدریس و راهکارهای تربیت علمی و فناوری دانش‌آموزان، روشهای تدریس و راهکارهای تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان، روشهای تدریس و راهکارهای تربیت زیستی و بدنی و روشهای تدریس و راهکارهای تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دانش‌آموزان، چالشهای معلمان در پیاده‌سازی تربیت تمام‌ساحتی و پیشنهادهایی برای بهبود آموزش و پرورش در راستای تربیت تمام‌ساحتی گردید.

تجارب زیسته معلمان در این مطالعه به درک عمیق‌تری از تربیت تمام‌ساحتی کمک کرده است. این تجارب نشان می‌دهد که معلمان چگونه از طریق تعاملات روزمره و روش‌های آموزشی خود، ابعاد مختلف تربیتی را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهند. رویکرد پدیدارشناختی این امکان را فراهم کرد تا به جای تحلیل‌های سطحی، به ماهیت پدیده‌های تجربه‌شده توسط معلمان نزدیک شویم و جوهره این تجربیات را درک کنیم. یافته‌های پژوهش نشان داد که روش‌های تدریس معلمان، علاوه بر انتقال دانش، به توسعه ارزش‌ها، اعتقادات و مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان کمک می‌کند. این امر با مبانی نظری تربیت تمام‌ساحتی هماهنگ بوده و تأکیدی بر نقش معلمان به‌عنوان عناصر کلیدی در تحقق این نوع تربیت است.

روش‌های تدریس و راهکارهای ترویج و پرورش رفتارهای عبادی و فضایل اخلاقی دانش‌آموزان، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت و اعتقادات آن‌ها دارد. معلمان، به‌عنوان مدل‌های اصلی انتقال ارزش‌ها و باورهای دینی، می‌توانند با استفاده از روش‌های مختلف آموزشی، دانش‌آموزان را به سمت رفتارهای عبادی و اخلاقی سوق دهند. به‌طور کلی، معلمان نقش بسیار مهمی در ترویج و پرورش رفتارهای عبادی و فضایل اخلاقی دانش‌آموزان دارند. با استفاده از روش‌های تدریس متنوع و ایجاد محیط آموزشی منعطف و حمایتی، آن‌ها می‌توانند ارزش‌ها و اعتقادات دینی را به دانش‌آموزان منتقل کنند و آن‌ها را به تفکر و عمل به این ارزش‌ها ترغیب نمایند. تربیت دینی و اخلاقی، نه تنها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در زندگی فردی و اجتماعی موفق‌تر باشند، بلکه به توسعه جامعه‌ای اخلاقی و با ارزش‌های والاتر نیز کمک می‌کند. از این رو، توجه به روش‌های موثر در تربیت دینی و اخلاقی و اجرای آن‌ها در مدارس، امری ضروری و حیاتی است (عقیلی و همکاران، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر تربیت اقتصادی و حرفه‌ای دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از محورهای مهم آموزشی، نقش کلیدی در آماده‌سازی آن‌ها برای مواجهه با چالش‌های زندگی واقعی و بازار کار دارد. این تربیت با استفاده از روش‌های تدریس متنوع و مشارکتی، دانش‌آموزان را با مفاهیم و مهارت‌های اساسی اقتصادی و حرفه‌ای آشنا کرده و به آن‌ها کمک می‌کند تا به‌عنوان افراد مستقل و موفق در جامعه عمل کنند. تربیت اقتصادی و حرفه‌ای دانش‌آموزان، نیازمند یک رویکرد جامع و متنوع است که شامل آموزش مفاهیم اساسی، تشویق به تفکر اقتصادی، ایجاد ارتباط با واقعیت و ارائه الگوهای مثبت می‌شود. معلمان با استفاده از این روش‌ها و راهکارها، می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا مهارت‌های لازم برای زندگی اقتصادی موفق را کسب کنند و برای مواجهه با چالش‌های دنیای واقعی آماده شوند. این نوع تربیت نه تنها به دانش‌آموزان کمک

می‌کند تا در آینده حرفه‌ای خود موفق باشند، بلکه به توسعه جامعه‌ای پویا و اقتصادی نیز کمک می‌کند. توجه به این رویکردها در سیستم آموزشی، امری ضروری و حیاتی است تا دانش‌آموزان امروز، به بزرگسالان مستقل و موفق فردا تبدیل شوند (صحبت لو و نادری، ۱۴۰۰).

همچنین تربیت علمی و فناوری دانش‌آموزان از اساسی‌ترین ارکان آموزش و پرورش در دنیای مدرن است. روش‌های تدریس مؤثر و کارآمد در این زمینه می‌تواند نقشی حیاتی در توسعه و پیشرفت دانش‌آموزان داشته باشد. این روش‌ها باید با پیشرفت‌های علمی و فناوری همگام باشند و نیازهای متفاوت دانش‌آموزان را در نظر بگیرند. تربیت علمی و فناوری دانش‌آموزان با استفاده از روش‌های تدریس مؤثر و کارآمد، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رشد و توسعه آن‌ها داشته باشد. ایجاد انگیزه به یادگیری، تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و مسئله‌محور، آموزش مهارت‌های مرتبط با فناوری و تشویق به خلاقیت و تفکر طراحی از جمله راهکارهای کلیدی در این زمینه است. معلمان با استفاده از این روش‌ها، می‌توانند دانش‌آموزان را برای مواجهه با چالش‌های دنیای مدرن آماده کنند و آن‌ها را به افرادی مستقل، خلاق و نوآور تبدیل نمایند. توجه به این اصول در سیستم آموزشی، نقش مهمی در پرورش نسل‌های آینده و توسعه علمی و فناوری جامعه دارد (دارایی، ۱۳۹۹).

یکی دیگر از ارکان اساسی در آموزش و پرورش مدرن، تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان است. این ساحت به توسعه مهارت‌های ارتباطی و همکاری، ارتقاء آگاهی از مسائل اجتماعی و سیاسی، و تقویت مشارکت دانش‌آموزان در امور مدنی و سیاسی می‌پردازد. روش‌های تدریس مؤثر در این حوزه، می‌توانند نقش بسزایی در پرورش شهروندان مسئولیت‌پذیر و فعال داشته باشند. تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان با استفاده از روش‌های تدریس مؤثر و کارآمد، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روی زندگی آن‌ها و جامعه داشته باشد. توسعه مهارت‌های ارتباطی و همکاری، ارتقاء آگاهی از مسائل اجتماعی و سیاسی، و تقویت مشارکت دانش‌آموزان در امور مدنی و سیاسی از جمله راهکارهای کلیدی در این زمینه است. معلمان با بهره‌گیری از این روش‌ها، می‌توانند دانش‌آموزان را برای مشارکت مؤثر در جامعه و مسئولیت‌پذیری در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی آماده کنند. توجه به این اصول در سیستم آموزشی، نقشی حیاتی در تربیت شهروندان آگاه، فعال و متعهد ایفا می‌کند و به توسعه جامعه‌ای پویا و مشارکت‌جو کمک می‌کند (یوسف زاده چوسری و شاه مرادی، ۱۳۹۹).

همچنین روش‌های تدریس و راهکارهای تربیت زیستی و بدنی دانش‌آموزان به عنوان یکی از جنبه‌های مهم آموزش و پرورش، نقش بسیار مهمی در توسعه جسمانی و ذهنی دانش‌آموزان دارد. در این ساحت، تمرکز بر ترویج سلامتی، فعالیت‌های بدنی منظم و سبک زندگی سالم است. هدف اصلی این ساحت، آموزش مهارت‌های مربوط به سلامتی، تغذیه، ورزش و فعالیت‌های بدنی منظم به طوری است که دانش‌آموزان بتوانند از لحاظ فیزیکی و روحی سالم باشند. نقش معلم در تربیت مهارت‌های زیستی و بدنی بسیار اساسی است و می‌تواند به رشد و توسعه جسمانی و ذهنی دانش‌آموزان کمک کند. تربیت زیستی و بدنی دانش‌آموزان یکی از جنبه‌های کلیدی آموزش و پرورش است که به ترویج سلامتی، فعالیت‌های بدنی منظم و سبک زندگی سالم کمک می‌کند. روش‌های تدریس مؤثر در این زمینه شامل تربیت مهارت‌های ورزشی، آموزش بهداشت و سلامت، پرورش ارزش‌های زیستی و آموزش مهارت‌های امنیتی است. معلمان با بهره‌گیری از این روش‌ها می‌توانند نقش مهمی در توسعه جسمانی و ذهنی دانش‌آموزان ایفا کنند و آن‌ها

را برای داشتن یک زندگی سالم و متعادل آماده سازند. توجه به این اصول در سیستم آموزشی، نه تنها به بهبود سلامت فردی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه به تقویت جامعه‌ای سالم و آگاه نیز منجر می‌شود (متسلسلر، ۱۳۹۴).

از طرف دیگر روش‌های تدریس و راهکارهای تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دانش‌آموزان، به توسعه استعدادهای هنری و ذوق زیبایی‌شناختی آنان می‌پردازد. هدف اصلی این ساحت، تقویت خلاقیت، ارتقاء توانایی‌های هنری و افزایش درک و ارزیابی هنری در دانش‌آموزان است، تا بتوانند به‌طور فعال در فرهنگ هنری جامعه شرکت کرده و به توسعه آن کمک کنند. تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دانش‌آموزان از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا این مهارت‌ها به توسعه استعدادهای هنری، تقویت ذوق هنری، توانایی ارزیابی آثار هنری و شرکت فعال در فرهنگ هنری جامعه کمک می‌کند. معلمان با استفاده از روش‌های تدریس متنوع و جذاب، می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا استعدادهای هنری خود را کشف و توسعه دهند. برگزاری کارگاه‌ها و نمایشگاه‌های هنری، آموزش مهارت‌های ارزیابی و تشویق به شرکت در فعالیت‌های هنری جامعه از جمله راهکارهای موثر در این زمینه هستند. با این روش‌ها، دانش‌آموزان نه تنها مهارت‌های هنری خود را بهبود می‌بخشند، بلکه به عنوان شهروندانی فعال و آگاه در توسعه فرهنگ هنری جامعه نقش آفرینی می‌کنند (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۰).

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیاده‌سازی تربیت تمام‌ساحتی نیازمند تغییرات عمده‌ای در برنامه‌های آموزشی، منابع و امکانات، توسعه حرفه‌ای معلمان، مدیریت کلاس درس و روش‌های ارزشیابی است. چالش‌هایی که معلمان در این مسیر با آن مواجه هستند، نیازمند توجه جدی و راهکارهای عملی از سوی سیاست‌گذاران آموزشی و مدیران مدارس است. ایجاد برنامه‌های درسی متناسب با اهداف تربیت تمام‌ساحتی، تأمین منابع و امکانات لازم، فراهم کردن فرصت‌های آموزش و توسعه حرفه‌ای مستمر برای معلمان، استفاده از روش‌های تدریس متنوع و انعطاف‌پذیر، و طراحی ابزارهای ارزشیابی جامع می‌تواند به تحقق این هدف کمک کند. با غلبه بر این چالش‌ها، معلمان قادر خواهند بود به تربیت همه‌جانبه و توسعه شخصیت دانش‌آموزان بپردازند و آن‌ها را برای مشارکت فعال و مسئولانه در جامعه آماده کنند و در آخر تربیت تمام‌ساحتی دانش‌آموزان نیازمند تغییرات اساسی در نظام آموزشی، محتوای درسی، روش‌های تدریس، فضاها و امکانات آموزشی، توسعه حرفه‌ای معلمان و تعامل مؤثر بین مدرسه، خانواده و جامعه است. بازنگری در محتوای آموزشی با تأکید بر تربیت همه‌جانبه، توسعه فضاها و امکانات آموزشی، ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، تعامل و همکاری بین مدرسه، خانواده و جامعه و ایجاد نظام ارزشیابی جامع از جمله پیشنهادهایی هستند که می‌توانند به بهبود آموزش و پرورش در راستای تربیت تمام‌ساحتی کمک کنند. با اجرای این پیشنهادها، می‌توان به تربیت دانش‌آموزانی کامل و همه‌جانبه دست یافت که آماده مواجهه با چالش‌های زندگی و مشارکت فعال در جامعه باشند.

مشارکت نویسندگان

طراحی این مطالعه به صورت مشارکتی توسط نویسندگان اول و دوم انجام شد. نگارش بخش مقدمه، پیشینه و بحث و نتیجه‌گیری بر عهده نویسندگان دوم و گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و بخش روش بر عهده نویسندگان اول بوده است. نویسندگان اول بر بخش بحث و نتیجه‌گیری نیز نظارت داشته است.

از تمامی معلمان و همکارانی که در این پژوهش نقش داشته اند کمال سپاس را داریم.

تعارض منافع

«هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش (۱۳۸۹). *روشهای تحقیق کیفی*. تهران: انتشارات بشری. Top of Form
- بازدار، مرتضی؛ شیخی، کیوان؛ رضایی ارده جانی، مصطفی و صیادسامه، آیلار (۱۳۹۴). نقش معلمان در تربیت فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان. دومین کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی. اسفند ماه، استانبول ترکیه.
- درونه، جعفر و رضایی، محمدحسین (۱۳۸۶). *منشور تحول بنیادین آموزش و پرورش از نگاه مقام معظم رهبری*. تهران: دبیرخانه اجرایی ستاد تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- حاجی بابایی، حمیدرضا (۱۳۹۱). ویژگی های مدرسه ای که دوست دارم با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش. *فصلنامه نوآوری های آموزشی*. ۴۲ (۱۱): ۷۴-۵۱.
- دارایی، مهری (۱۳۹۹). آموزش تدریس پیشرفته به عنوان رویکردی نوین در سیستم آموزشی مدرن. *مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*. ۳ (۲۸): ۱۴۵-۱۳۵.
- رفیعی، بهروز (۱۳۸۸). *آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، چاپ دوم، بی جا، مؤسسه چاپ سبحان، صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۸). آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالشها و راهبردهای مواجهه با آن. *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*. ۱۱ (۱): ۱۵۳-۱۹۶.
- صحبت لو، علی و نادری، مهدی. (۱۴۰۰). تأملی آینده پژوهانه بر تربیت حرفه ای در نظام آموزشی ایران. *آموزش پژوهی*، ۷ (۲۵)
- صلصالی، مهوش و همکاران (۱۳۸۴). *روشهای پژوهش کیفی*. تهران: انتشارات بشری.
- عقیلی، سید رمضان؛ علم الهدی، جمیله و فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۷). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران. *تدریس پژوهی*. ۶ (۴): ۱-۲۳.
- فلاحی، ویدا؛ صفری، یحیی و یوسف فرحنگ، ماندانا. (۱۳۹۰). تاثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت های هنری و مهارت های فرآیندی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی. *نوآوری های آموزشی*، ۱۰ (۳۹): ۱۰۱-۱۱۸.
- قهرمانی فرد، کامیار (۱۴۰۱). رویکرد آموزش و یادگیری همه ساحتی (راهکار اجرایی شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در مقیاس کلاس درس ابتدایی). *آموزش ابتدایی*. ۴ (۲۶): ۹-۸.
- کانت، آمانویل (۱۳۶۷). *تعلیم و تربیت*، ترجمه: غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران.
- مبانی نظری سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش.
- متسلسر، م. د. (۱۳۹۴). *الگوهای آموزشی در تربیت بدنی*. ترجمه جواد آزمون و همکاران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *تعلیم و تربیت در اسلام*. چاپ چهل و یکم، تهران، صدرا
- میرعرب رضی، سید علیرضا و ممشلی، رضا و سمیعی پاقلعه، حسین (۱۴۰۲). مروری بر جایگاه ساحت های تربیتی ششگانه سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، چهارمین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پرورش.

نوروزی‌نژاد، محمد؛ طباطبایی، مینو (۱۳۹۹). رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش. *فصلنامه بین‌المللی میان‌رشته‌ای و بین‌الادیانی Pure Life*. سال ۷. شماره ۲۱. خرداد: ۳۵-۶۳.

یوسف زاده چوسری، محمدرضا و شاه‌مرادی، مرتضی. (۱۳۹۹). ارائه مدل برنامه درسی تربیت سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی-سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۵ (پیاپی ۱۴): ۱۷۳-۲۰۶.

Chiang, T. H., & Trezise, D. (2021). How teacher competence functions as an institutionalized discourse in the epoch of globalization, *Cambridge Journal of Education*, 51(1), 105-125.

Fadel, C., & Bialik, M. (2016). *Skills for the 21st Century: What Should Students Learn?* Boston, MA: Center for Curriculum Redesign.

Fegert, J. M., Vitiello, B., Plener, P. L., & Clemens, V. (2020). Challenges and burden of the Coronavirus 2019 (COVID-19) pandemic for child and adolescent mental health: a narrative review to highlight clinical and research needs in the acute phase and the long return to normality. *Child and adolescent psychiatry and mental health*, 14, 1-11.

Hanstedt, P. (2018). *Creating Wicked Students: Designing Courses for a Complex World*, Published by Stylus Publishing, LLC

Lipnevich, A. A., Preckel, F. & Roberts, R. D. (2016). *Psychosocial Skills and School Systems in the 21st Century: Theory, Research, and Practice*, Springer International Publishing.

National Research Council (2016). *Education for Life and Work: Developing Transferable Knowledge and Skills in the 21st Century*. Committee on Defining Deeper Learning and 21st Century Skills, In J.W. Pellegrino & M. L. Hilton, (Eds). Board on Testing and Assessment and Board on Science Education, Division of Behavioral and Social Sciences and Education. Washington, DC: The National Academies Press.

Rahayu, S., Ulfatin, N., Wiyono, B. B., Imron, A., & Wajdi, M. B. N. (2018). The professional competency teachers mediate the influence of teacher innovation and emotional intelligence on school security, *Journal of Social Studies Education Research*, 9(2), 210-227.

معرفی نویسندگان

AUTHOR(S) BIOSKETCHES

نویسنده اول: فاطمه مردان اربط دکترای علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی و حوزه تخصصی: فرهنگ برنامه درسی، مطالعات پدیدارشناسی در برنامه درسی، قوم‌نگاری در مطالعات برنامه درسی. نویسنده دوم: دکترای علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی و حوزه تخصصی: مطالعات پدیدارشناختی در برنامه درسی، مطالعات برنامه درسی.